

براساس آمار مجموعه تئاتر شهر اعلام شد

## فروش میلیاردی یک نمایش

آمار هفتگی فروش و تماشاگران نمایش‌های به صحنه رفته در تالارهای مختلف مجموعه تئاترشهر، تماشاخانه سنگلج و تالار هنر در حالی اعلام شد که این آمار در نوع خود جالب و امیدوارکننده است. نکته جالب در این میان، رسیدن فروش یک نمایش (شکوفه‌های گیلاس در سالن اصلی تئاترشهر) به فروشی بالای یک میلیارد تومان است که نشان‌دهنده حضور

### گفت‌وگو

**گفت‌وگو با رضا بهرامی، کارگردان نمایش «پایین، گذر سقاخانه»**

# ترویج فرهنگ ایرانی وظیفه من است



**تئاتر سنگلج از ۲۰ مرداد تا ۲۰ شهریور میزبان یک نمایش عاشقانه است که در تهران قدیم با حال‌وهوای پهلوانی روایت می‌شود؛ نمایشی که بارها توسط کارگردان‌های مختلف اجرا شده و این بار رضا بهرامی با نگاهی به تقابل خیر و شر آن را به صحنه برده است. این نمایش اثر ماندگار اکبر رادی، نمایشنامه‌نویس معاصر است با نام «پایین، گذر سقاخانه» که پیش از بهرامی، هادی مرزبان، حامد آقایی و چند کارگردان دیگر هم آن را به صحنه برده‌اند اما اجرای رضابهرامی چند ویژگی را در کنار هم دارد؛ نمایشنامه در تئاتر سنگلج اجرا می‌شود که یکی از محله‌های تهران قدیم و با فضای نمایش در تناسب است، همچنین پیوند داستان با سوگواری‌های دهه محرم و تقارن آن با محرم امسال دلیل دیگری است که حس و حال ویژه‌ای به این نمایش می‌دهد.**

**به‌جز این تناسب‌ها، رضا بهرامی اجرایی دلنشین از نمایشنامه اکبر رادی ارائه کرده که شبی دلپذیر برای تماشاگران می‌سازد. درباره این نمایش با رضا بهرامی گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.**



آذر مهajer گروه فرهنگ و هنر

همچنین پیوند داستان با سوگواری‌های دهه محرم و تقارن آن با محرم امسال دلیل دیگری است که حس و حال ویژه‌ای به این نمایش می‌دهد. به‌جز این تناسب‌ها، رضا بهرامی اجرایی دلنشین از نمایشنامه اکبر رادی ارائه کرده که شبی دلپذیر برای تماشاگران می‌سازد. درباره این نمایش با رضا بهرامی گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

بیشتر و فعال‌تر مخاطبان تئاتر در سالن‌های نمایش پس از همه‌گیری کروناست.

براساس اعلام روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، آمار فروش نمایش‌ها به این ترتیب است:

**شکوفه‌های گیلاس**؛ یک میلیارد و ۳۷ میلیون و ۳۴۰ هزار تومان، **آلنده نازنین**؛ ۳۲۴ میلیون تومان، **تب**؛ ۶۱ میلیون ۳۱۳ هزارتومان ، **جانور**؛ هشت میلیون

و ۶۵۰ هزارتومان.**پایین، گذر سقاخانه**؛ ۲۸ میلیون و ۳۹۶ هزارتومان، **غول نخود فرنگی**؛ ۸۶ میلیون و ۶۶۶ هزارتومان ، **پنگوئن‌ها**؛ ۸۴ میلیون و ۷۱۲ هزارتومان . همچنین بر اساس اعلام روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، تمامی تالارهای نمایشی روز دوشنبه سی و یکم مرداد به دلیل فرا رسیدن سالروز شهادت امام زین‌العابدین (ع) اجرایی نخواهندداشت.



### نکته

#### حمایت از تئاتر

نمایش پایین، گذر سقاخانه با همراهی یک حامی مالی اجرا می‌شود اما براساس اظهارات رضا بهرامی، مشکلات زیرساختی تئاتر با حضور حامی مالی حل نمی‌شود. او در این باره می‌گوید: طبق معمول خواسته همیشگی اهالی تئاتر حمایت مسئولان است. مدیران نهادهای فرهنگی پشت میز نمی‌نشینند، حقوق ثابت‌شان را می‌گیرند و شاید درک روشنی از شرایط ما تئاتری‌ها ندارند. گروه‌های تئاتری از روز اولی که یک نمایشنامه را برای اجرا انتخاب می‌کنند، با مانع روبه‌رو هستند تا زمانی که اثر اجرا شده و نوبت به دریافت کمک هزینه‌ها می‌رسد. اهالی تئاتر با یک سامانه روبه‌رو هستند که باید بنشینند ببینند بالاخره متن یا حتی یک پوستر ساده در این سامانه تایید می‌شود یا نه. زمانی که صرف گرفتن تایید می‌شود در واقع عمر ماست که به انتظار تلف می‌شود و این عادلانه نیست.

بودجه‌های تئاتری هم به‌قدری محدود است که نمی‌دانیم بالاخره یک قطره از آن می‌چکد و چیزی به گروه اجرا می‌رسد یا نه یا اصلاً چه زمانی به دست ما می‌رسد. همه دشواری‌های تمرین را که پشت‌سر می‌گذاریم و به اجرا می‌رسیم با هزار مسأله روبه‌رو هستیم که مغایب را به سالن بکشانیم و تازه بعد از این همه تلاش ۲۰درصد از درآمد نمایش به دوستانی می‌رسد که پشت میز نشسته‌اند و ه‌درصد از فروش گیشه هم به سایت‌های بلیت‌فروشی از جمله تی‌وال می‌رسد که یک‌سدم مشکلات گروه‌های تئاتری را ندارند. اگر قرار است تئاتر داشته باشیم باید گروه‌های تئاتری مورد حمایت قرار بگیرند.

نمایش پایین، گذر سقاخانه ۲۳ بازیگر دارد که حقوق ثابت ندارند به‌علاوه عوامل پشت صحنه همه به فروش امید بسته‌اند. درست است برای این نمایش یک حامی مالی پیدا کرده‌ام اما به‌قدری سنگ جلوی پای ما انداخته‌اند که بارها به این فکر افتاده‌ام عطای حامی مالی را به نقای این وضعیت ببخشم. به جای این‌که بستر مناسب برای جذب این حمایت‌ها ایجاد شود، آن‌قدر فضا را تنگ می‌کنند که تنش بالا می‌رود و حضور حامی نه‌تنها تسهیل‌کننده نیست بلکه مشکلی است روی مشکلات دیگر. به‌عنوان نمونه از صبح تا ۵ عصر چراغ سالن‌های نمایش روشن است اما بعد از اجرای تئاتر چراغ سالن را خاموش می‌کنند و اجازه نمی‌دهند مخاطب حتی بماند و یک عکس یادگاری با بازیگران نمایش بگیرد. این انصاف نیست. همه این افراد هم خودشان را دایه فرهنگ و هنر می‌دانند. ما نمایشی را به صحنه برده‌ایم در حالی‌که هنوز قراردادی نداریم و نمی‌دانیم قرار است چقدر کمک مالی دریافت کنیم. مناسبات ما با شورای ارزشیاب، انجمن هنرهای نمایشی و مرکز هنرهای نمایشی روشن نیست.

بیمار است، بارها در میدان‌های محله ما برنامه اجرا می‌کرد و من از ابتدای معرکه‌های او، تماشاگرش بودم تا زمانی که جمع می‌کرد و می‌رفت. بخشی از زیست من با داستان‌های پهلوانی با موسیقی ایرانی و با نوستالژی پیوند خورده است. من ایرانی هستم، گذشته و فرهنگ این سرزمین برایم مهم است نه این‌که دیگری ستیز باشم اما داشته‌های ملی برایم ارزشمند است و معتقدم اگر به‌عنوان یک هنرمند وظیفه و رسالتی دارم باید بتوانم در حد امکان از این فرهنگ، زیست و داشته‌های ملی بومی، صیانت کنم و آن را ترویج بدهم.

**[۱] از اجرای نمایش راضی هستید؟ آنچه مد نظر شما بوده، میسر شده است؟**

مخاطبان ما تا این لحظه راضی بوده‌اند و بازخوردهای خوبی دریافت کرده‌ایم ولی معتقدم هرگز صددرصد آنچه در ذهن کارگردان هست، میسر نمی‌شود چون تئاتر یک اتفاق گروهی است و سایر عوامل نگاه و اندیشه و روح دیگری دارند. من به‌عنوان کارگردان تلاش کردم، زاویه دید و ایده‌هایم را به اعضای گروه منتقل کنم، قطعاً تفاوت بین نگاه و اندیشه و روح اعضای گروه سبب می‌شود همه ایده‌های من اجرایی نشود اما به یک نقطه اشتراک می‌رسیم و در نمایش پایین، گذر سقاخانه نتیجه این تشریک مساعی مورد پذیرش مخاطب واقع شده و بازخوردهای خوبی دریافت کرده‌ایم.

**[۲] قبول دارید اجرای این نمایش در تئاتر سنگلج، دلپذیرتر شده و به تجربه خوشایندی تبدیل شده است؟**

تهران قدیم چهار محله داشته که مهم‌ترین آنها همین محله سنگلج بوده است. شاید تقدیر این بوده در نهایت به این محله برسیم که به حال و هوای این نمایش نزدیک‌تر است.



**[۳] پیش از این هم نمایش‌هایی مربوط به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به صحنه برده‌اید، علاقه شما به فضای تهران قدیم و موضوعات پهلوانی از کجا می‌آید؟**

این علاقه ریشه در فرهنگی دارد که در آن رشد کرده‌ام. من در محله‌ای زندگی کردم که از این دست فضاهای پهلوانی وجود داشت. همیشه شاهد برگزاری تعزیه در محله بودم. پهلوان اکبر که این روزها

**[۴] چرا از میان نمایشنامه‌های مختلف اکبر رادی سراغ پایین، گذر سقاخانه رفتید. آیا فضای نوستالژیک این نمایشنامه و همزمانی اجرا با ایام محرم ارتباطی به این انتخاب داشته است؟**

دلیل اصلی این بوده که اکبر رادی جزوه‌نویسنده معاصر تاریخ ادبیات و هنرهای نمایشی و برای من بسیار قابل احترام هستند و همیشه برایم اجرای نمایشنامه‌های ایرانی در اولویت بوده است. چه نمایشنامه‌ای بهتر از اثر استاد رادی اما درباره این نمایشنامه خاص، باید بگویم نزدیک به شش سال درگیر بودم که بتوانم پایین، گذر سقاخانه را به صحنه ببرم. در دوره‌ای که حسین پارسیایی، مدیر تئاتر ایرانشهر بود اقدام کردم و نشد، در دوره حسین مسافر آستانه، بار دیگر درخواست کردم باز هم نشد. در نهایت توانستم در تماشاخانه سنگلج این نمایش را تولید و اجرا کنم.

**[۵] این نمایشنامه را قبلاً چند کارگردان دیگر هم اجرا کرده بودند، چه چیزی باعث شد بخواهید آن را دوباره به صحنه ببرید؟**

این نمایشنامه داستان دو پهلوان به نام‌های طاهر و فری را روایت می‌کند که به دلایلی یکی از آنها از دیگری کینه به دل می‌گیرد و در پی آن ماجراهایی رقم می‌خورد. از نظر من نمایشنامه پایین، گذر سقاخانه داستان خیر و شر است. برای من همیشه این موضوع حائز اهمیت بوده چون زندگی خارج از



## دعوت از اپرای «عاشورا» برای اجرا در شهرهای مختلف

سرپرست گروه تئاتر «آران» اعلام کرد بخش خصوصی در شهرهای شیراز، اهواز و گرگان برای اجرای اپرای عروسکی «عاشورا» از گروه دعوت به عمل آورده‌اند. بهروز غریب‌پور کارگردان با سابقه تئاتر که به تازگی اجرای جدیدی از اپرای عروسکی «عاشورا» را در تالار وحدت به صحنه برد، درباره اجرای این اثر در شهرهای مختلف با توجه بر تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر اجرای این اثر در دیگر شهرهای ایران گفت: ممنونم از وزیر فرهنگ و ارشاد به دلیل نگاهی که دارد. بحث من همیشه بر سر این بوده که چگونه عدالت فرهنگی را در جامعه ایجاد کنیم. ماایم در شهرهای مختلف تمام اپراهای عروسکی را اجرا کنیم زیرا اینگونه است که عدالت فرهنگی در جامعه ایجاد می‌شود. باید آثار تمام هنرمندان در شهرهای مختلف اجرا شوند و امیدوارم وزیر بر این گفته خود اصرار بوززد و معاونان وزیر در ایجاد بستر و شرایط مناسب و همچنین حمایت مالی از گروه‌ها، این کار را عملی کند. / مهر

### چهره



## بازی در تئاتر مرا سرزنده نگه می‌دارد

علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت گفت: در حال حاضر مشغول بازی در پروژه خاصی نیستم اما به زودی برای بازی در سریال «بهشت تپهکاران» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی جلوی دوربین خواهم رفت.

این بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر با اشاره به حضورش در نمایش «سی صد» بیان کرد: من همیشه در برنامه کاری خود تئاتر را قرار می‌دهم، نمی‌توانم از این عرصه به مدت طولانی دور بمانم؛ وزیر بازی در تئاتر مرا سرزنده نگه می‌دارد. به طور کلی معتقدم بازیگری در تئاتر برای هر بازیگری واجب است. تئاتر هنرمند را مثل یک ورزشکار همیشه سرزنده و بر روز نگه داشته ووی را برای نقش‌های سخت آماده می‌کند. بازیگر سریال «شهرزاد» در این باره تأکید کرد: تجربه بازی در نمایش سی صد هم به نوع خود شیرین بود؛ نقشی بود که برایم جذابیت و ویژگی‌های خاص خود را داشت و خوشحالم توانستم بار دیگر بازی در عرصه نمایش را تجربه کنم. این‌که در کنار مردم باشی و بتوانی لذت ایفای نقش پیش روی مخاطب را تجربه کنی، بی نهایت جذاب و تمام‌شدنی است. / میزان

# تئاتر

THEATER

یکشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۸۸

### یادداشت

درباره «پایین، گذر سقاخانه»

به کارگردانی رضا بهرامی

## یادگار اکبر رادی



رضا آشفته منتقد تئاتر

در نمایش «پایین، گذر سقاخانه» به کارگردانی رضابهرامی می‌بینیم که او یادگار شادروان اکبر رادی را با مصداق‌های درست رئالیسم این نویسنده به صحنه آورده است.

اگر این روزها به تالار سنگلج بروید و این نمایش عاشقانه را ببینید، متوجه درک والای اکبر رادی از اجتماع پایین‌شهر تهران خواهید شد که از چه منظر سامانی دارد روابط این آدم‌ها را بر باورهای مذهبی شیعه و درآمیختگی با مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موشکافی می‌کند.

آرزوی اکبر رادی همیشه این بود که در حد بضاعت لازم متن‌هایش اجراهای درخوری صورت بگیرد که این خواسته کمتر اتفاق می‌افتاد و کمتر کارگردانی توان اجرایی لازم را برای بیان این نوع رئالیسم قدرتمند و چندلایه داشت و اگر علیرضا نادری و محمد یعقوبی در بیان رئالیسم خود موفق عمل کرده‌اند تنها دلایل کارگردانی خود این دو نمایشنامه‌نویس است و البته علیرضا نادری بعدها این شانس را داشت که اشکان خیل‌نژاد با نگاهی مستقل و درعین حال پرتوان «پچیچه‌های پشت خط نبرده» را اجرا کند و محسن علیخانی هم از عهده دو متن «دیوار» و «سعادت لِرزان مردمان تیره‌رو» برآمده بود و رادی همچنان در این آرزو به‌سر می‌برد که هیچ‌گاه نتوانست در حد مطلوبی یک اجرای جانانه از متن‌هایش را ببیند و البته این آرزوی سال‌های پس از انقلابش بود و قبل از انقلاب کارگردانی‌های رکن‌الدین خسروی و علی نصیریان از این مهم‌انگاری تا حدی برآمده‌اند. به‌هر روی این آرزو در یک مقیاس مطلوب‌تر به دست رضا بهرامی دارد آدا می‌شود چون او می‌داند پایین‌شهر یعنی چه و همین خود دلیل بزرگی است برای چیدمان درست آدم‌های تشریف‌در کنار هم که با همه خوب و بدشان پیش‌برنده یک درام عاشقانه باشند که به‌ظاهر برداشتی از «دش‌آکل» صادق هدایت است که خیلی مستقل و با برداشت آزاد آمیخته با مسائل، نگاه‌هاورویاد‌های باورپذیرتری است که آن نفرت صادق هدایت در گزینش این لایه‌ها در آن خبری نیست. به‌هر روی واقع‌گرایی اکبر رادی اصیل‌تر و ریشه‌دارتر می‌نماید چون انسان ته‌شهری برای خود باورها و مرام‌هایی دارد که اگر متوجهش نباشی یا بخواهی انکارش کنی، به بیراهه می‌روی. این‌که مذهب را بخواهی منهای کنی، خود یک شکست بزرگ است و عنصر پایهای و بنیادین زندگی این آدم‌ها همانا مذهب است و نه انکارشدنی است و نه قابل حذف و خودسانسوری. به‌هر روی زبان و فرهنگ اجتماعی این مردمان نیز کاملاً متفاوت است و حتی ادا کردن کلمات و جملات ته‌شهری نیز کار راحتی نیست چون فهم زبانی و موسیقایی این زبان نیازمند تجربه زیست یا مطالعات و پژوهش‌هایی در حد عمق یافتن است. رضا بهرامی و بخش عمده‌ای از گروهش اهل همین جنوب‌شهر تهرانند و سیمای درستی از این مردمان را بنابر همین شناخت راستین در میزانشن‌هایشان بازنمایی کرده‌اند و ما با حرکات ناپاوارانه‌ای روبه‌رو نمی‌شویم، مدل راه‌رفتن زنان چادرنماز رنگارنگ به سر و نوع حرف‌زدن آنان با جماعت زیر گذر و ارجاع به سقاخانه و مدل قلبیان‌کشیدن و کرکری خواندن اهل محل در قهوه‌خانه و همه این موارد ریشه‌دار است و حتی عزاداری امام‌حسین(ع) که به زیبایی تمام وامدار حقیقتی بی‌نظیر از این مردمان است. در کل همین نشانگان زیر و درشت رفتاری نمایانگر اجتماعی است که با همه پست‌وبلندش بین این جماعت پایدار مانده و همچنان نیز جزء لاینفک زندگی آنان است. نوع مواجهه رضابهرامی همانند اکبر رادی، واقعی و باورپذیر است و این یعنی کامیابی در ارائه یک متن جانانه از اکبر رادی ....

### خاطره



## نمایشی با بازی علی سلیمانی

یکی از نمایش‌های خاطره‌انگیز که اواسط دهه ۹۰ در تالار اصلی تئاترشهر روی صحنه رفت، نمایش «تئاتر سعدی، تابستان سی و دو» به نویسندگی و کارگردانی حسین کیانی بود. در این نمایش علیرضا آرا، خاطره اسدی، حمید حسینی، شهرام حقیقت دوست، امیررضا دلآوری، اشکان دلآوری، مجید رحمتی، علی سلیمانی سرنسری، علی محمدی، سوبیل ملکی و رویا میرعلی بازی می‌کردند و نمایش با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد. عکس: ایسنا